

گویش‌شناسی ادراکی؛ مطالعه‌ای موردی از ترکی آذری در شهرستان شبستر

علی‌رضا قلی‌فامیان

استادیار زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۹/۱۷

دریافت: ۹۴/۵/۱۰

چکیده

گویش‌شناسی ادراکی، حوزه‌ای است که در آن درک و نگرش اهل زبان نسبت به مفاهیمی مانند مرزبندی جغرافیایی گویش خود و گویش‌های مناطق مجاور، اعتبار و منزلت اجتماعی گویش‌ها و نظایر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش ۶۴ گویشور چهار منطقه از شهرستان شبستر در شمال غرب تبریز (شامل شهرهای شبستر، شندآباد، دریان و خامنه) به‌طور تصادفی، به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب شدند. سپس محقق به کمک چهار نمونه صوتی ضبط‌شده از چهار منطقه ذکرشده و یک پرسش‌نامه محقق-ساخته، نگرش آزمودنی‌ها را در باره نمونه‌های صوتی ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه میانسال و نیز گروه زنان در تشخیص دوری/نزدیکی گونه زبانی و نیز (غیر) همشهری بودن گوینده، موفق‌تر از گروه جوان و گروه مردان عمل می‌کنند و این امر با نتایج برخی مطالعات پیشین مانند دیرکز (2002) در آلمان کاملاً سازگار است. به این ترتیب درمی‌یابیم که در منطقه مورد مطالعه، میانسالان و زنان زبان‌آگاه‌ترند. همچنین مشخص شد که مرکزیت اداری و اقتصادی یک منطقه (شهر شبستر) باعث می‌شود تا گونه به‌کاررفته در آن منطقه از نظر گویشوران، گونه شهری تلقی شود. یکی دیگر از یافته‌های قابل تأمل در مطالعه حاضر این است که برخلاف پیش‌فرض رایج در مطالعات جامعه‌شناسی زبان، گونه زبانی کم‌جمعیت‌ترین شهر منطقه مورد مطالعه، یعنی خامنه، معتبرتر از سایر مناطق تشخیص داده شده است.

واژگان کلیدی: گویش‌شناسی ادراکی، گونه، نگرش، ترکی آذری، شبستر.



۱. مقدمه

بلومفیلد در تعریف و شرح مفهوم جامعه‌زبانی ادعا کرد که اهل زبان در یک جامعه‌زبانی، عادات گفتاری یکسانی دارند که بسیار جزئی و به‌ظاهر کم‌اهمیت می‌نماید. وی با اشاره به گفتار گویشوران غرب میانه کشور آمریکا تأکید کرد که همین تفاوت‌های به‌ظاهر بی‌اهمیت، نقشی بسیار مهم در سیر تحولات زبان ایفا می‌کنند و یکی از وظایف زبان‌شناس بررسی دقیق همین تفاوت‌های جزئی است (Vide. Bloomfield, 1933: 45). با این‌که بلومفیلد خود وارد جزئیات این موضوع نشد، باترز با اشاره به این اظهار نظر بلومفیلد، مدعی شده است که این زبان‌شناس پیشگام در واقع نیاز به طرح و بسط حوزه‌ای موسوم به «گوش‌شناسی ادراکی»^۱ را مطرح ساخته است (Vide. Butters, 2002: XV).

گوش‌شناسی ادراکی، ریشه در زبان‌شناسی عامیانه دارد و در چهارچوب آن، محقق می‌کوشد درک اهل زبان و همچنین نگرش آنان را نسبت به تنوعات زبانی زادگاه و مناطق همجوار، شناسایی، طبقه‌بندی و تبیین کند. به‌لحاظ روش‌شناسی، گوش‌شناسی ادراکی آمیزه‌ای از شیوه‌های سنتی گوش‌شناسی و نیز انگاره‌های نظری نوین در زبان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی زبان است. گفتنی است حوزه گوش‌شناسی که از قرن نوزدهم و در قالب شناسایی تنوع الگوهای گویشی در مناطق جغرافیایی آغاز شده است (Vide. Hudson, 1980: 39)، اساساً ماهیتی سنتی دارد و به‌طور عمده گونه‌های زبانی رایج در مناطق روستایی را بررسی می‌کند؛ درحالی‌که زبان‌شناسی اجتماعی که از اواخر دهه ۱۹۶۰م آغاز شده است، سازوکاری امروزی‌تر دارد و بر مطالعه گونه‌های رایج در مناطق شهری تأکید می‌ورزد (Vide. *Ibid*: 1). تفاوت در این دو حوزه در امر انتخاب آزمودنی‌های پژوهش نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، گوش‌شناسان به‌طور سنتی کوشیده‌اند آزمودنی‌های خود را از میان مردان روستایی، سالمند و ساکن در محل انتخاب کنند (Vide. Chambers, & Trudgill, 2004: 29)؛ درحالی‌که زبان‌شناسان اجتماعی آزمودنی‌های خود را از گروه‌های سنی، جنسیتی، تحصیلی و شغلی متفاوت انتخاب می‌کنند و در واقع یکی از وظایف زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعه تنوع الگوهای زبان با توجه به متغیرهای جنسیت، سن و غیره است.

اهل زبان در هر منطقه به‌طور ناخودآگاه تمایل دارند گونه زبانی خود را از سایر گونه‌های مناطق مجاور تشخیص دهند و پس از تشخیص، نوبت به مرزبندی گونه زبانی خود و غیر خودی فرا می‌رسد. این مرزبندی زبانی صرفاً بخشی از مرزبندی عمومی خود و دیگری است که جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره را دربرمی‌گیرد. از آنجا که پژوهش حاضر رویکردی اجتماعی دارد، محقق در انتخاب آزمودنی‌ها صرفاً به یک گروه جنسیتی یا سنی خاص اکتفا نکرده است و همچون سایر محققان در گوشه و کنار جهان، آزمودنی‌های خود را از میان دو گروه زنان و مردان و همچنین دو گروه سنی جوانان و میانسالان انتخاب کرده است. در این پژوهش با تمرکز بر چهار منطقه از شهرستان شبستر (در شمال غرب تبریز) به چهار پرسش زیر پاسخ می‌دهیم:

۱. از میان دو گروه جوانان و میانسالان ساکن در شهرستان شبستر، کدام گروه در تشخیص ویژگی‌های زبانی زادگاه خود و مناطق همجوار، موفق‌تر عمل می‌کنند؟
۲. از میان دو گروه زنان و مردان ساکن در شهرستان شبستر، کدام گروه در تشخیص ویژگی‌های زبانی زادگاه خود و مناطق همجوار، موفق‌تر عمل می‌کنند؟
۳. آیا میان مرکزیت اداری و اقتصادی یک منطقه جغرافیایی و نگرش گویشوران در خصوص روستایی یا شهری انگاشتن گونه رایج در آن منطقه، ارتباط وجود دارد؟
۴. آیا میان وسعت، جمعیت و مرکزیت اداری یک منطقه و نگرش گویشوران در خصوص معتبر انگاشتن گونه رایج در آن منطقه، ارتباط وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

پرستن^۱ (1999 a) و لانگ^۲ و پرستن (2002) گزارشی از تحقیقات متعدد در گویش‌شناسی ادراکی ارائه داده‌اند. در این تحقیقات الگوهای نظری و همچنین شیوه‌های مختلف در تشخیص و درک گونه‌های زبانی و ترسیم نقشه‌های ذهنی توسط گویشوران در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکا، انگلستان، هلند، آلمان، مجارستان، ژاپن، کره، ایتالیا، اسپانیا و ترکیه ارائه شده است. در ادامه، چند پژوهش در حوزه گویش‌شناسی ادراکی را مرور می‌کنیم. لانگ چند نقشه از کشور ژاپن را در اختیار آزمودنی‌های ژاپنی قرار داد و از آنان

خواست بین مناطقی که تصور می‌کنند گفتارشان متفاوت است، خط بکشند و سپس نام مناطق خط‌کشی‌شده را بنویسند. همچنین از آزمودنی‌ها خواستند دربارهٔ مطلوب بودن و ویژگی‌های زبانی مناطق خط‌کشی‌شده نظر بدهند. لانگ نقشه‌های رسم‌شده توسط گویشوران ژاپنی را گردآوری کرد و با تمرکز بر منطقهٔ آیچی^۵ نشان داد که اهل زبان در تقسیم‌بندی زبانی منطقهٔ خود به‌جای مشخصه‌های صرفاً زبانی بیشتر به تقسیم‌بندی‌های سنتی منطقه تکیه می‌کنند (Wide. Long, 1999: 196-197). البته این امر همیشه صدق نمی‌کند و در مواردی دو منطقه که از منظر اقتصادی یا سیاسی از یکدیگر متمایز هستند، توسط اهل زبان، یک منطقهٔ واحد زبانی تلقی شده‌اند.

در مطالعه‌ای دیگر در چهارچوب گرایش‌شناسی ادراکی، دلی اوکین از طریق رسم نقشه و نیز مصاحبه با ۲۱۸ شهروند آلمانی پس از اتحاد کشورهای آلمان شرقی و آلمان غربی به این نتیجه رسید که ساکنان آلمان غربی، گونهٔ زبانی خود را صحیح‌تر و مطلوب‌تر از گونه‌های شرقی می‌دانند. او همچنین دریافت که شرقی‌ها از منظر «صحیح‌بودن»، تفاوتی بین دو منطقهٔ شرق و غرب قائل نیستند؛ اما گونهٔ غربی را «مطلوب‌تر» می‌دانند (Vide. Dailey-O' Cain, 1999: 227-228).

در پژوهشی دیگر، از ۱۴۲ نفر ساکن شهر بورساک^۶ در ۲۸۰ کیلومتری جنوب غربی ترکیه خواسته شد تا گونهٔ زبانی ۷۳ شهر در کشور ترکیه را از نظر «صحیح‌بودن» و «مطلوب‌بودن» با مقیاس ۱ تا ۷ طبقه‌بندی کنند. علاوه بر این، از آنان خواسته شد میزان تفاوت گفتار ۷۳ شهر مورد مطالعه را نسبت به گونهٔ زبانی زادگاه خود با مقیاس ۱ تا ۴ نشان دهند. یافته‌های تحقیق نشان داد آزمودنی‌ها، گونه‌های رایج در مناطق غرب کشور ترکیه را گونه‌هایی صحیح‌تر و مطلوب‌تر می‌دانند. به این ترتیب، شاهد همسبستگی میان دو پدیدهٔ «صحیح‌بودن» و «مطلوب‌بودن» هستیم. نکتهٔ قابل توجه این‌که شمار قابل توجهی از آزمودنی‌ها گونهٔ رایج در منطقهٔ خود را کاملاً واضح، صحیح، ناب و «بدون لهجه» معرفی کرده‌اند. همچنین آزمودنی‌ها به‌درستی گونه‌های زبانی شهرهای غرب ترکیه را به گونهٔ خود نزدیک‌تر دانستند. در این میان، مناطقی نیز وجود داشت که در حکم جزیره بود؛ به این معنا که آزمودنی‌ها تعبیر و تفسیر متفاوتی در خصوص آن‌ها داشتند. برای مثال، آزمودنی‌ها گونهٔ رایج در آنکارا، در شرق کشور ترکیه را متفاوت دانستند، اما آن را به‌عنوان گونه‌ای

صحیح و مطلوب معرفی کردند. این موضوع را می‌توان به اعتبار و منزلت اجتماعی گونه زبانی پایتخت نسبت داد؛ پدیده‌ای که توسط پرستن (b 1999) در خصوص گونه زبانی شهر واشنگتن در کشور ایالات متحده آمریکا نیز گزارش شده است (Vide. Demirci, & Kleiner, 1999: 273- 275).

در تحقیقی که در جنوب اروپا صورت گرفت، ۹۰ شهروند اسپانیایی که تا قبل از ده‌سالگی به مادری مهاجرت کرده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش مناطقی روی نقشه کشور اسپانیا به آزمودنی‌ها نشان داده، از آنان درخواست شد یکی از این چهار جمله را انتخاب کنند: ۱. اهالی این منطقه مانند من صحبت می‌کنند؛ ۲. اهالی این منطقه اندکی متفاوت با من صحبت می‌کنند؛ ۳. اهالی این منطقه خیلی متفاوت صحبت می‌کنند و ۴. زبان اهالی این منطقه را خوب متوجه نمی‌شوم.

علاوه بر این، پرسش اصلی، برخی سؤالات جزئی نیز در خصوص تفاوت گونه‌های محلی مناطق مشخص شده مطرح شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که درک ساکنان مادری و تشخیص گونه‌های زبانی اسپانیا با پیچیدگی‌های بسیاری همراه است. همچنین روشن شد که درک گونه‌های زبانی توسط ساکنان مادری تحت تأثیر متغیرهایی نظیر جنسیت، سن و تحصیلات است. همچنین مشخص شد که درک و تشخیص مردان ساکن مادری با زنان تفاوت دارد؛ به این معنا که مردان به تنوع زبانی در کشور اسپانیا حساس‌ترند. همین حساسیت بیشتر در گروه سنی ۳۶- ۵۵ ساله تحصیلکرده نیز مشاهده شد (Fernandez, & Fernandez, 2002: 317- 318).

دیرکز (۲۰۰۲) مطالعه‌ای دیگر در شمال آلمان است که نگرش گویشوران ساکن در چهار منطقه شهر شلسویگ^۷ شامل ۱. لوونزتد^۸، ۲. تومی^۹، ۳. تریا^{۱۰} (در غرب شلسویگ) و ۴. جاگل^{۱۱} (در جنوب غرب شلسویگ) را ارزیابی کرده است. دیرکز با استفاده از چهار نمونه گفتاری پنجاه‌تایی، با ۱۲۹ نفر از ساکنان چهار منطقه یادشده مصاحبه کرد و نظر آنان را در خصوص ده ویژگی یا معیار مانند سن، دوری یا نزدیکی، جهت جغرافیایی، روستایی یا شهری بودن و مواردی نظیر آن جویا شد. نتایج مطالعه یادشده حاکی از آن است که آزمودنی‌های جوان در تشخیص گویش‌های مناطق اطراف و طبقه‌بندی آن‌ها ضعیف‌تر عمل کرده‌اند. دیرکز ادعا کرد که به دلایل مختلف مانند تأثیر رسانه‌ها، جابه‌جایی، به‌ویژه در میان



جمعیت شهری و نظایر آن باعث شده است گروه سنی جوانان (۱۵-۲۹ ساله) نسبت به گروه سنی میانسالان (۳۰-۶۴ ساله) در تشخیص گویش‌های مناطق مجاور موفق عمل نکنند. همچنین درمی‌یابیم که افراد گروه میانسال در منطقه لوونزتد بسیار موفق‌تر از جوانان همشهری خود عمل کرده‌اند و این میزان برتری در مقایسه با گروه میانسال سه منطقه دیگر نیز قابل ملاحظه است. گفتنی است که متغیر جنسیت در حوزه کاربرد و پردازش الگوهای زبانی، حوزه‌ای مناقشه‌انگیز به شمار می‌آید. از یک‌سو، این دیدگاه وجود دارد که زنان در مناطق روستایی ارتباط کلامی محدودی با گروه‌های اجتماعی مختلف دارند و در عین حال این دیدگاه نیز وجود دارد که زنان زبان‌آگاه‌ترند و به دلیل نقش‌شان در خانواده، درواقع حافظان گونه اصلی یک گویش به شمار می‌آیند. یافته‌های دیرکز (2002) نشان می‌دهد که گروه زنان در ارائه پاسخ صحیح به‌طور نسبی موفق‌تر از گروه مردان عمل کرده‌اند.

تفاوت‌های گویشی در نقاط مجاور، مورد توجه زبان‌شناسان و گویش‌پژوهان ایرانی نیز بوده است. برای مثال، کلباسی (۱۳۸۳) ضمن مقایسه ساخت فعل در شهرستان‌های سیرجان، بافت، زرند و جیرفت در استان کرمان و نیز ساخت فعل در شهرستان‌های حاجی‌آباد و بندرعباس در استان هرمزگان، به این واقعیت اشاره دارد که ممکن است دو روستای کاملاً مجاور دو گونه زبانی کاملاً متفاوت داشته باشند. نجفیان و همکاران (۱۳۹۳) نیز براساس رویکردی کمی و رایانشی به بررسی گونه‌های زبان مازندرانی، کوشیده‌اند معادل‌های آوایی ۶۲ مدخل واژگانی را در ۷۲ نقطه استخراج کنند. نتایج مطالعه ذکرشده نشان داده است که دو گروه گویشی مازندرانی و مازندرانی گالشی از هم متمایزند و نیز گروه گویشی مازندرانی خود به چهار زیرگروه اصلی تقسیم می‌شود. همچنین، رستم‌بیک نفرشی (۱۳۹۵) با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از پرسش‌نامه‌ای شامل ۱۴۹ واژه و عبارت و ۴۴ جمله پایه مبتنی بر فهرست واژه‌های سوادش، نمونه‌ای از اطلس گویشی بر مبنای اصول جغرافیای گویشی ارائه داده است. یافته‌ها نشان داده است که گویش‌های مطالعه‌شده در ۹ خوشه طبقه‌بندی می‌شوند. گفتنی است در مطالعات ایرانی یادشده، مبنای اصلی پژوهش داده‌های زبانی است و اصولاً روش‌شناسی پژوهش‌های ذکرشده ایجاب نمی‌کند محققان خصوصیات سنی، جنسیتی یا اجتماعی گویشوران را مورد نظر قرار دهند. برعکس، در مطالعه حاضر که در چهارچوب گویش‌شناسی ادراکی می‌گنجد، محقق باید به ویژگی‌هایی مانند سن و جنسیت

گوشوران دقت نماید و پاسخ‌های آنان را برحسب همین ویژگی‌ها تجزیه و تحلیل کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. محقق پس از توصیف وضعیت جغرافیایی و زبانی محدوده پژوهش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته است. این پژوهش به‌لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی است و محقق پس از طراحی پرسش‌نامه به‌طور مستقیم با گوشوران ساکن منطقه مصاحبه کرده است.

۳-۱. محدوده جغرافیایی پژوهش

شهرستان شبستر در غرب استان آذربایجان شرقی با ۲۷۵۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۲۱۷۸۷ نفر جمعیت از صوفیان تا تسوج امتداد دارد. مرکز این شهرستان، شهر شبستر است و به دلیل تمرکز مراکز اداری، علمی و خدماتی در چند دهه اخیر شاهد رشد و رونق در جنبه‌های مختلف بوده است. در پژوهش حاضر مرکز این شهرستان که از این پس، شهر شبستر نامیده می‌شود، به همراه سه شهر شندآباد، دریان و خامنه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نقشه زیر مختصات جغرافیایی مناطق مورد نظر را نشان می‌دهد.



تصویر ۱. نقشه شهرستان شبستر

Figure 1. The Map of Shabestan County



همان‌طور که می‌بینیم مناطق شبستر، دریان و خامنه در قسمت شمالی جاده تبریز- شبستر- تسوج قرار دارند و شندآباد در بخش جنوبی جاده شبستر- سلماس دیده می‌شود. فاصله شبستر تا شندآباد حدود سه کیلومتر است؛ درحالی‌که فاصله آن تا خامنه پنج کیلومتر است. دریان نیز در یک کیلومتری خامنه قرار دارد.

چهار منطقه مورد مطالعه از نظر جمعیتی و تاریخچه شهرشدن تفاوت‌هایی دارند. جمعیت چهار منطقه ذکرشده به ترتیب عبارت‌اند از شبستر (۱۳۸۵۷ نفر)، شندآباد (۸۷۹۷ نفر)، دریان (۴۰۰۰ نفر) و خامنه (۲۷۵۰). شندآباد پس از شبستر، پرجمعیت‌ترین شهر شهرستان به شمار می‌آید. از منظر سابقه اداری گفتنی است در تقسیم‌بندی مناطق کشوری، تاریخ شهرشدن شندآباد به سال ۱۳۶۷ بازمی‌گردد؛ درحالی‌که خامنه از سال ۱۳۱۴ شهر بوده است. صرف‌نظر از این موضوع، خامنه از دیرباز به‌عنوان شهری فرهنگی در شهرستان شبستر شناخته می‌شود و در این خصوص دو دلیل عمده مطرح می‌شود؛ نخست این‌که به استناد منابع مختلف، دومین مدرسه استان آذربایجان (بعد از تبریز) در سال ۱۲۷۵ خورشیدی در شهر خامنه تأسیس شده است (نک. روشن، ۱۳۷۱: ۶۸). بدیهی است تأسیس مدرسه یادشده (مدرسه معرفت) پیامدهای فرهنگی و اجتماعی دامنه‌داری برای این شهر به همراه آورده است. وجود تنها موزه شهرستان در این شهر، احداث و فعالیت یک واحد دانشگاهی در این شهر کم‌جمعیت، وجود مدارس نمونه شهرستان در این شهر، نمونه‌هایی از پیامدهای فرهنگی مورد نظر به شمار می‌آیند.

۲-۳. ابزار پژوهش

محقق برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار متن‌گفتاری و پرسش‌نامه استفاده کرده است. برای تهیه متن گفتاری، ابتدا هشت گویشور ساکن در چهار منطقه مورد مطالعه (دو نفر از هر منطقه) دعوت به همکاری شدند. تمام افراد ذکرشده متولد و ساکن مناطق مورد مطالعه بودند. سپس متنی فارسی تهیه شد. متن فارسی به گونه‌ای تهیه شد که ترجمه ترکی آذری آن تنوعات گویشی موجود را بازتاب دهد. متن فارسی به شرح زیر است:

«امشب مهمان داریم. صبح برای خرید وسایل به بازار رفتم. مقداری تخم‌مرغ، یک کیلو گوشت، سه تا ماهی، دو کیلو برنج. خیلی خسته شدم. الان می‌خواهم چای بنوشم؛ بفرمایید».

در مرحله بعد از ۸ گویشور دعوت شده به همکاری، خواسته شد متن فارسی بالا را بخوانند و سپس آن را به صورت شفاهی به زبان ترکی آذری ترجمه کنند. این افراد از هدف اصلی تحقیق آگاهی نداشتند و در صورت کنجکاوی به آنان گفته می‌شد که منظور از این مطالعه، بررسی چگونگی ترجمه متن فارسی به ترکی آذری است. باید خاطر نشان کرد که ارائه متن فارسی و ترجمه گویشوران و نیز ضبط صدا بلافاصله انجام می‌شد و افراد فرصت نداشتند تا با دیگران در خصوص نوع جمله‌بندی، تلفظ و سایر جزئیات مشورت کنند. چنان‌که پیش‌بینی می‌شد، تمام نمونه‌های ضبط‌شده از نظر صورت و یا محتوا معتبر نبودند و پس از دقت در نمونه‌ها و اعتبارسنجی آن‌ها از نظر نزدیکی به الگوهای هریک از مناطق چهارگانه، در نهایت، چهار نمونه (یک نمونه از هر منطقه) انتخاب شد.

چهار نمونه تهیه‌شده از نظر واژگانی و آوایی تفاوت‌هایی ظریف و در عین حال، قابل تشخیص برای اهل زبان دارند. محقق چهار نمونه نهایی را پیش از انجام مرحله اصلی پژوهش برای چند نفر از اهالی مناطق مورد مطالعه ارائه داد و از اصالت نمونه‌های ضبط‌شده اطمینان حاصل کرد. سه گوینده انتخاب‌شده نهایی در گروه سنی ۳۵-۴۵ ساله هستند و گوینده منطقه دریان ۶۵ ساله است. زمان دقیق نمونه‌های ضبط‌شده از چهار منطقه شندآباد (۲۳ ثانیه)، شبستر (۱۵ ثانیه)، دریان (۱۲ ثانیه) و خامنه (۲۲ ثانیه) تفاوت دارد؛ به این دلیل که برای مثال، گوینده شندآباد میان بندهای مختلف مکث کرده و دو بار از تکیه‌کلام ترکی (yaxçi) به معنای «خب» استفاده کرده است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، محقق در طراحی متن فارسی، کلماتی را انتخاب کرده است که معادل آن‌ها در ترکی آذری با تنوعاتی ظریف همراه است. برای مثال فعل خرید(م) در ترکی آذری منطقه مورد مطالعه به دو صورت تلفظ می‌گردد. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌کنیم، پسوند اول شخص مفرد در گونه شندآباد دارای واکه کوتاه و پیشین [I] است؛ درحالی‌که در سه منطقه شبستر، دریان و خامنه، شاهد پسین‌شدگی واکه و استفاده از واکه پسین [u] هستیم. گفتنی است که فرآیند ذکرشده صرفاً به این فعل اختصاص ندارد و در سه منطقه یادشده در بسیاری از موارد مشابه شاهد پسین‌شدگی واکه در هجای پایانی کلمات هستیم. گفتنی است در گونه معیار شامل گونه ترکی آذری تبریز و اغلب نقاط استان آذربایجان شرقی، در این گونه موارد، واکه پیشین [I] به کار می‌رود و به بیان دیگر فرآیند پسین‌شدگی از جمله فرآیندهای اختصاصی



شبستر، دریان و خامنه به شمار می‌آید. از آنجا که در این فرآیند همواره یک واکهٔ پسین (مانند واکهٔ پسین a در واژهٔ aldim) وجود دارد و تحت تأثیر این واکه، واکهٔ پیشین I به واکهٔ پسین u تبدیل می‌شود، فرHیند مزبور را می‌توان در چهارچوب فرآیندی گسترده‌تر به نام «هماهنگی واکه‌ای»^{۱۲} نیز تحلیل کرد. علایی (۱۳۹۲) به بررسی فرآیند هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذری در منطقهٔ مغان پرداخته است و خلیل‌زاده (2013) نیز بر این باور است که هماهنگی واکه‌ای از ویژگی‌های بارز زبان ترکی آذری است.

جدول ۱. پسین‌شدگی واکه در شبستر، دریان و خامنه

Table 1. Postvocalization of vowel in Shabestar , Daryan , Khameneh

شندآباد	شبستر، دریان، خامنه	فعل «خریدم»
aldim	aldum	xæridəm

گفتنی است تفاوت‌ها به تنوعات آوایی محدود نیست و برای مثال، گویندهٔ منطقهٔ شبستر برای ترجمهٔ واژه «مقداری»، از اصطلاح [bixda] استفاده کرده که ویژهٔ گونه ترکی آذری رایج در شبستر است.

محقق برای گردآوری داده‌های پژوهش علاوه بر متن گفتاری از یک پرسش‌نامه محقق-ساخته نیز استفاده کرده است. پرسش‌نامهٔ مورد استفاده شامل دو بخش است. در بخش نخست، اطلاعاتی مانند جنسیت، سن و زادگاه آزمودنی (یکی از چهار منطقهٔ مورد مطالعه) پرسیده شده است. ذیل اطلاعات فردی آزمودنی، ۹ سؤال ارائه شده است. در پرسش‌نامه از آزمودنی خواسته شده است سن تقریبی و زادگاه گوینده‌های متن گفتاری را حدس بزند و در خصوص دور یا نزدیک بودن زادگاه گوینده، معتبر یا غیر معتبر بودن لهجهٔ گوینده و نیز اعتبار اجتماعی گویش شنیده‌شده اظهار نظر کند. متن پرسش‌نامه در ضمیمهٔ مقاله حاضر درج شده است.

۳-۳. آزمودنی‌ها و مصاحبه

برای انجام این پژوهش از هریک از مناطق چهارگانهٔ شبستر، شندآباد، دریان و خامنه ۱۶ نفر (در مجموع ۶۴ نفر) انتخاب شد. تمام آزمودنی‌ها متولد و ساکن شهرهای مورد مطالعه بودند.

نیمی از آزمودنی‌ها (۳۲ نفر) زن و نیم دیگر (۳۲ نفر) مرد هستند. همچنین آزمودنی‌ها در دو گروه سنی ۲۰-۳۹ ساله و ۴۰-۶۵ ساله طبقه‌بندی شدند. در جلسه مصاحبه ابتدا محقق چهار نمونه گفتاری را بدون وقفه پخش کرده است. سپس مجدداً آن‌ها را تک‌تک پخش کرده و پس از پایان هر نمونه، سؤالات پرسش‌نامه را از آزمودنی پرسیده است و پاسخ‌های هر آزمودنی را روی برگه مصاحبه نوشته است. به‌منظور دقت در گردآوری داده‌ها، هدف اصلی تحقیق به آزمودنی‌ها گفته نشده است. درضمن، آزمودنی‌ها از محله‌ها و محیط‌های مسکونی یا شغلی مختلف انتخاب شده‌اند و پیش از جلسه مصاحبه هیچ اطلاعاتی از جزئیات مصاحبه و پرسش‌نامه نداشتند. جدول زیر تصویری از فراوانی آزمودنی‌ها را با توجه به دو متغیر جنسیت و سن نشان می‌دهد.

جدول ۲. شمار آزمودنی‌های پژوهش برحسب متغیرهای جنسیت و سن

Table 2. Number of subjects based on gender and age variables

	زن		مرد		
	۷۰-۴۰ ساله	۳۹-۲۰ ساله	۷۰-۴۰ ساله	۳۹-۲۰ ساله	
شعبستر	۴	۴	۴	۴	
شندآباد	۴	۴	۴	۴	
دریان	۴	۴	۴	۴	
خامنه	۴	۴	۴	۴	
مجموع	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	
	۶۴				

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش را با توجه به متغیرهای مختلف و پاسخ‌های آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه ارائه می‌دهیم.

۴-۱. تشخیص دوری/نزدیکی گویش و (غیر) همشهری بودن گوینده

در پرسش‌نامه پژوهش حاضر، در مجموع ۹ سؤال درج شده است. گفتنی است پرسش‌های



اصلی پژوهش (سوالات زوج) با سوالات فرعی دیگری (سوالات فرد) ترکیب شده‌اند تا آزمودنی‌ها به اهداف اصلی پژوهش پی ببرند. در پرسش دوم مندرج در پرسش‌نامه از آزمودنی‌ها خواسته شده است دور یا نزدیک بودن تقریبی محل زندگی چهار گوینده را حدس بزنند. در قالب پرسش هشتم پرسش‌نامه نیز از آزمودنی‌ها سؤال شده است که کدام یک از چهار گوینده، همشهری آن‌ها هستند؟ در ادامه امتیازات آزمودنی‌ها را با توجه به دو متغیر جنسیت و سن مرور می‌کنیم.

جدول ۳. عملکرد آزمودنی‌ها در تشخیص دوری/ نزدیکی و (غیر) همشهری بودن گوینده

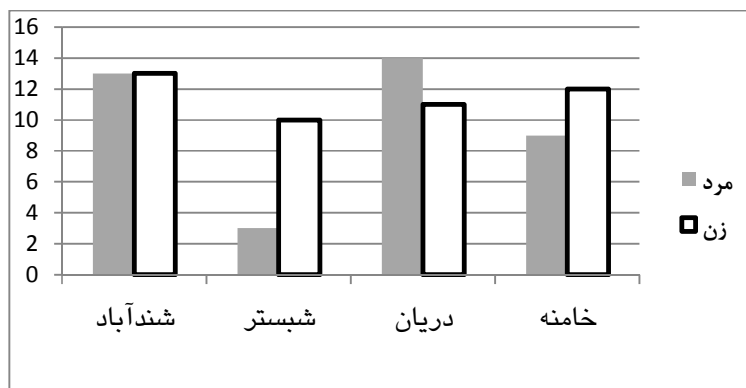
Table 3. The Performance of Subjects in Recognition of Far /Near of (non) citizen

مجموع	همشهری بودن	دوری/ نزدیکی		
۲۶	۶	۷	زن	شنندآباد
	۷	۶	مرد	
۱۳	۳	۷	زن	شبستر
	۱	۲	مرد	
۲۵	۴	۷	زن	دریان
	۶	۸	مرد	
۲۱	۵	۷	زن	خامنه
	۴	۵	مرد	

جدول بالا اطلاعات آماری مربوط به تشخیص آزمودنی‌ها در خصوص دوری یا نزدیکی گویش گوینده و نیز (غیر) همشهری بودن چهار گوینده را نشان می‌دهد. گفتنی است برای هر پاسخ صحیح آزمودنی یک امتیاز در نظر گرفته شده است؛ برای مثال، عدد ۲۶ در مقابل ردیف شنندآباد- مرد به این معناست که از کل گروه زنان شنندآباد (شامل ۸ نفر)، هفت نفرشان به پرسش دوم پاسخ صحیح داده‌اند (۷ امتیاز)، و شش نفرشان به پرسش هشتم پاسخ درست داده‌اند (۶ امتیاز). در گروه مردان شنندآباد نیز شش نفر به پرسش دوم پاسخ صحیح داده‌اند (۶ امتیاز) و هفت نفر به سؤال هشتم درست پاسخ داده‌اند (۷ امتیاز). به این ترتیب، مجموع امتیازات آزمودنی‌های شنندآباد معادل ۲۶ است. همین روال امتیازدهی برای

سایر گروه‌ها اعمال گردید.

براساس داده‌های مندرج در جدول بالا آزمودنی‌های اهل شندآباد در تشخیص دوری/نزدیکی گویش گوینده‌ها و نیز (غیر) همشهری بودن موفق‌تر عمل کرده‌اند. آزمودنی‌های اهل دریان (۲۵ امتیاز) در رتبه دوم قرار دارند و جالب این‌که ساکنان شهر شبستر که مرکز شهرستان شبستر نیز به شمار می‌آید، کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی امتیازات برحسب متغیر جنسیت جالب توجه است. با نگاهی گذرا به نمودار زیر درمی‌یابیم که گروه زنان و مردان شندآباد در پاسخ به دو پرسش مورد بررسی، یکسان عمل کرده‌اند؛ درحالی‌که در دو منطقه شبستر و خامنه گروه زنان موفق‌تر از گروه مردان عمل کرده‌اند. ستون‌های مربوط به دریان نشان می‌دهد که در این منطقه، برخلاف سایر مناطق، مردان در تشخیص دوری/نزدیکی گویش گوینده و نیز (غیر) همشهری بودن گوینده موفق‌تر بوده‌اند. به این ترتیب درمی‌یابیم که در مناطق مورد مطالعه پژوهش حاضر- به جز منطقه شندآباد- متغیر جنسیت در تشخیص دو مشخصه دوری/نزدیکی گویش گوینده و نیز (غیر) همشهری بودن گوینده تأثیر دارد.



نمودار ۱. عملکرد آزمودنی‌های مرد و زن در تشخیص دوری/نزدیکی و (غیر) همشهری بودن گوینده

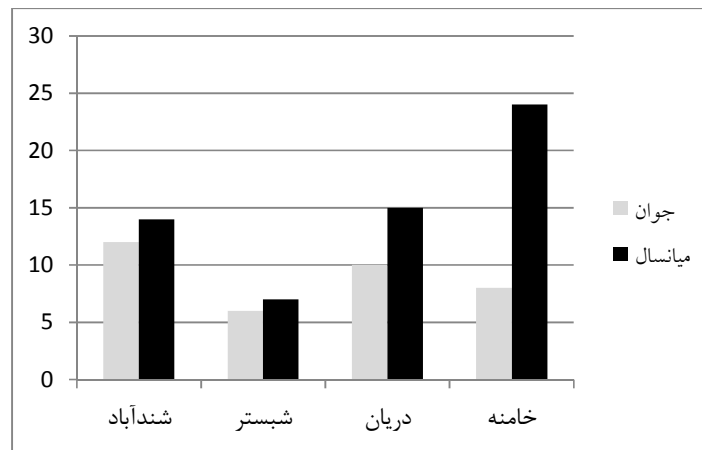
Chart1. Performance of Man and Woman in Recognition of Far and Near of (non) citizen



در این پژوهش آزمودنی‌ها در دو گروه سنی ۲۰-۳۹ ساله (جوان) و ۴۰-۷۰ ساله (میانسال) طبقه‌بندی شده‌اند. جدول زیر امتیازات آزمودنی‌ها را در تشخیص دوری/نزدیکی و همشهری بودن گوینده به تفکیک دو گروه سنی پژوهش نشان می‌دهد. نمودار زیر آن نیز تفاوت دو گروه جوان و میانسال را در پاسخ به دو پرسش مورد نظر نشان می‌دهد.

جدول ۴. عملکرد آزمودنی‌های جوان و میانسال در تشخیص دوری/نزدیکی و (غیر) همشهری بودن گوینده
Table 4. Performance of Young and Middle –Aged Persons in Recognition of Far and Near of (non) citizen

میانسال	جوان	
۱۴	۱۲	شنندآباد
۷	۶	شبیستر
۱۵	۱۰	دریان
۱۳	۸	خامنه
۴۹	۳۶	مجموع



نمودار ۲. عملکرد آزمودنی‌های جوان و میانسال در تشخیص دوری/نزدیکی و (غیر) همشهری بودن گوینده

Chart 2. Performance of Young and Middle –Aged Persons in Recognition of Far and Near of (non) citizen

همان‌طور که در نمودار بالا می‌بینیم، در هر چهار منطقه جغرافیایی مورد مطالعه، آزمودنی‌ها در گروه سنی ۴۰-۷۰ ساله امتیازات بالاتری نسبت به اعضای گروه جوان کسب کرده‌اند.

گفتنی است سؤال دوم پرسش‌نامه (دوری/ نزدیکی گونه زبانی گوینده) با سؤال هشتم (همشهری یا غیر همشهری بودن گوینده) تا اندازه‌ای هم‌پوشی دارد. محقق انتظار داشته شمار آزمودنی‌های هر گروه که به پرسش دوم پاسخ صحیح داده‌اند، تفاوت چندانی با شمار پاسخ‌های صحیح پرسش هشتم نداشته باشد. در واقع، یافته‌های مربوط به منطقه شندآباد کاملاً با پیش‌فرض نگارنده سازگار است؛ زیرا از مجموع ۱۶ نفر آزمودنی اهل شندآباد، ۱۳ نفر در خصوص نزدیک‌بودن گونه شندآبادی پاسخ صحیح داده‌اند و دقیقاً همین تعداد (۱۳ نفر) در خصوص همشهری‌بودن گونه شندآبادی درست قضاوت کرده‌اند. یافته‌ها در مورد آزمودنی‌های دریان و خامنه کم‌وبیش تفاوت دارد؛ اما نتایج در خصوص شبستر کاملاً متفاوت و به تعبیری متناقض است. در گروه آزمودنی‌های شبستر، ۹ نفر در خصوص نزدیک‌بودن گونه شبستر صحیح عمل کرده‌اند؛ اما فقط ۴ نفر از آزمودنی‌های شبستر گونه همشهری خود را تشخیص داده‌اند. در تحلیل این تفاوت بارز می‌توان به دو استدلال مثبت و منفی تکیه کرد. مطابق با استدلال مثبت، ساکنان شهرهای بزرگ‌تر (در اینجا شبستر) در تعریف و تشخیص مفهوم «همشهری» محدوده جغرافیایی وسیع‌تری را مورد نظر قرار می‌دهند. براساس استدلال منفی، ساکنان شهرهای بزرگ‌تر به دلیل جابه‌جایی و/ یا برخورد بیشتر با ساکنان مناطق کوچک‌تر، تعریف چندان روشنی از همشهری در ذهن خود ندارند.

جدول ۵. عملکرد آزمودنی‌های چهار منطقه به تفکیک دو پرسش دوم و هشتم پرسش‌نامه

Table 5. Performance of Subjects in Four Region Based on 2th and 8th Question of Questionnaire

همشهری بودن	دوری/ نزدیکی	
۱۳	۱۳	شندآباد
۴	۹	شبستر
۱۰	۱۵	دریان
۱۰	۱۲	خامنه



۲-۴. تشخیص گونه روستایی / شهری

محقق در قالب سؤال چهارم پرسش‌نامه، دیدگاه آزمودنی‌ها را در خصوص روستایی یا شهری بودن گونه چهار گوینده پرسیده است. ناگفته پیداست که طبقه‌بندی گونه‌های زبانی در دو دسته روستایی و شهری، امری پیچیده است و این پیچیدگی در گستره جغرافیایی پژوهش حاضر بسیار بیشتر است؛ چنان‌که پیشتر در معرفی شهرستان شبستر اشاره شد، تاریخچه این شهرستان افت‌وخیزهای بنیادی داشته است. در گذشته‌ای نه چندان دور، خامنه از اعتبار منزلت اجتماعی خاصی برخوردار بوده است. در آن دوره، خود شهر شبستر چندان توسعه‌یافته نبوده است. بعدها به دلایل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شهر شبستر به‌عنوان مرکز شهرستان انتخاب شد و اکنون نیز تمرکز اداری این منطقه در شهر شبستر قرار دارد. دریاں منطقه‌ای کوچک در نزدیکی خامنه است و بسیاری از ساکنان بومی آن به تهران مهاجرت کرده‌اند. در این میان، شندآباد منطقه‌ای وسیع و پرجمعیت است و بخش عمده جمعیت آن به فعالیت‌های کشاورزی و باغداری مشغولند. با طرح پرسش چهارم در پرسش‌نامه، محقق کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که از میان دو عامل جمعیت و نوع فعالیت‌های رایج در یک منطقه، کدام عامل نقش بیشتری در نگرش ساکنان یک منطقه به روستایی یا شهری بودن گونه زبانی آن منطقه دارد؟ جدول زیر داده‌های آماری مربوط به پرسش چهارم پرسش‌نامه را نشان می‌دهد.

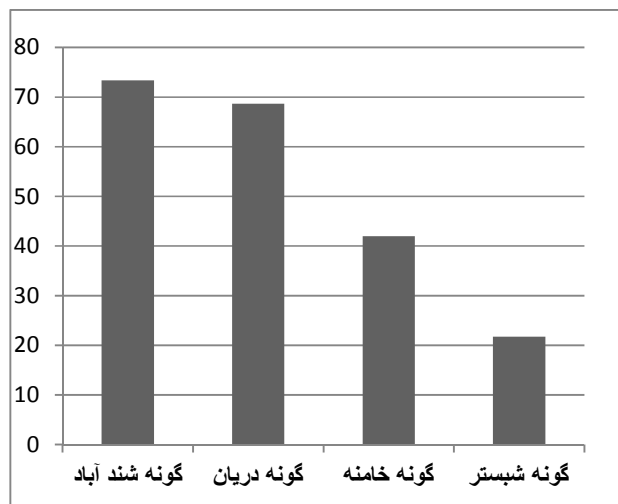
جدول ۶. نگرش آزمودنی‌ها در مورد روستایی بودن گونه زبانی گوینده‌ها

Table 6. Subjects Attitude on Rurality of Speakers Linguistic Variants

درصد	مجموع	اهل خامنه	اهل دریاں	اهل شبستر	اهل شندآباد	
۷۳/۴	۴۷	۱۲	۸	۱۳	۱۴	گویش شندآباد
۲۱/۸	۱۴	۴	۷	۱	۲	گویش شبستر
۶۸/۷	۴۴	۹	۹	۱۳	۱۳	گویش دریاں
۴۲	۲۷	۸	۸	۸	۳	گویش خامنه

در شرح جدول بالا، گفتنی است تمام آزمودنی‌ها در خصوص چهار گوینده متعلق به چهار منطقه مورد مطالعه اظهار نظر کرده‌اند. برای مثال، در ستون اهل شندآباد و ردیف گویش شندآباد، درج عدد ۱۴ به این معناست که ۱۴ نفر از اهالی شندآباد گونه زبانی گوینده‌ای را که اهل شندآباد

بوده است، به‌عنوان گونه روستایی معرفی کرده‌اند. مجدداً لازم به ذکر است که پاسخ آزمودنی‌ها به این سؤال کاملاً شمی / حدسی بوده است و آنان هیچ‌یک از گوینده‌های متن گفتاری را نمی‌شناختند. ارقام جدول بالا نشان می‌دهد از مجموع ۶۴ آزمودنی پژوهش حاضر، ۴۷ نفر گونه شندآباد را به‌عنوان گونه روستایی شناسایی کرده‌اند، و این آمار در خصوص گونه‌های دریان، خامنه و شبستر به‌ترتیب ۴۴، ۲۷ و ۱۴ نفر است. درصد مربوط به این اعداد را در ستون درصد مشاهده می‌کنید. نمودار زیر تصویری از تفاوت نگرش آزمودنی‌ها را ارائه می‌دهد. مطابق با یافته‌های مندرج در جدول بالا ۱۴ نفر از کل آزمودنی‌ها، گونه شبستر را گونه روستایی معرفی کرده‌اند. این بدان معناست که ۵۰ نفر بقیه معتقدند گونه شبستر، گونه شهری است و این امر با موقعیت کنونی شبستر و جایگاه اقتصادی و اداری آن در مقایسه با سه منطقه مجاور سازگاری دارد. به بیان دیگر، اهل زبان صرف‌نظر از عواملی مانند وسعت، قدمت، جمعیت یا دوری و نزدیکی از زادگاه خود، گونه منطقه‌ای را که کانون تصمیم‌گیری‌های دولتی است، گونه شهری در نظر می‌گیرند.



نمودار ۳. معرفی گونه روستایی توسط آزمودنی‌ها

Chart 3. Introduction of Rural Variant by Subjects



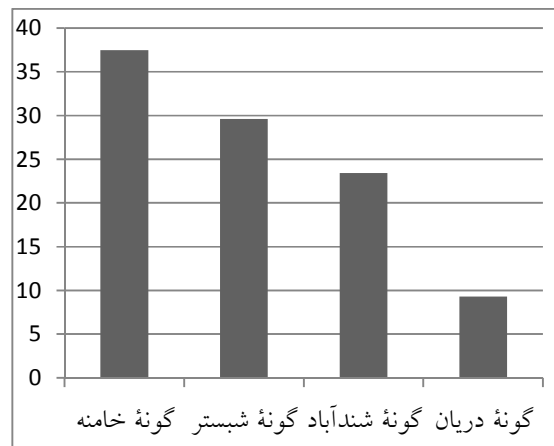
۳-۴. نگرش آزمودنی‌ها درباره گویش معتبر

سؤال ششم پرسش‌نامه از آزمودنی‌ها پرسیده است که از میان چهار نمونه صوتی ارائه شده، کدام گونه را معتبرتر و به تعبیری بهتر می‌دانند. جدول زیر اطلاعات عددی مربوط به اعتبارسنجی آزمودنی‌ها را در خصوص گونه معتبر نشان می‌دهد. عدد ۳ در ستون اهل شنندآباد به این معناست که سه نفر از آزمودنی‌های شنندآبادی، گونه شنندآباد را به عنوان گونه معتبر معرفی کرده‌اند.

جدول ۷. نگرش آزمودنی‌ها درباره گونه معتبر

Table 7. Subjects Attitudes on Standard Variants

درصد	مجموع	اهل خامنه	اهل دریان	اهل شبستر	اهل شنندآباد	
۲۳/۴	۱۰	۷	۴	۱	۳	گونه شنندآباد
۲۹/۶	۱۹	۴	۵	۵	۵	گونه شبستر
۹/۳	۶	۱	۳	۲	۰	گونه دریان
۳۷/۵	۲۴	۴	۴	۸	۸	گونه خامنه



نمودار ۴. گونه زبانی معتبر از دیدگاه آزمودنی‌ها

Chart4. Standard Variant Based on Subjects

همان‌طور که در نمودار بالا می‌بینیم، آزمودنی‌های پژوهش، گونه‌خامنه را بهتر و معتبر معرفی کرده‌اند و طبق قضاوت آنان گونه‌های مربوط به شبستر، شندآباد و دریان در رده‌های پایین‌تر اعتبار قرار دارند. همان‌طور که در نمودار ۳ دیدیم، کمترین درصد نگرش گونه‌روستایی به شبستر اختصاص دارد و به بیان دیگر، آزمودنی‌های مطالعه حاضر، گونه‌زبانی شبستر را شهری‌تر از سایر مناطق مورد مطالعه دانسته‌اند. پیش‌فرضی که ممکن است به ذهن خطور کند این است که آزمودنی‌ها گونه‌زبانی شبستر را به‌عنوان گونه‌معتبر قلمداد کنند، درحالی‌که در جدول ۷ و نمودار ۴ مشاهده می‌کنیم که چنین نیست؛ زیرا ۲۴ نفر از مجموع ۶۴ آزمودنی (۳۷/۵ درصد)، گونه‌خامنه را به‌عنوان گونه‌معتبر معرفی کرده‌اند. در تحلیل این موضوع می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که نگرش‌ها و قضاوت‌ها در خصوص اعتبار و منزلت اجتماعی یک گونه‌زبانی، الزاماً با ملاحظات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تغییر نمی‌کند. شهر خامنه که امروزه جمعیتی به‌مراتب کمتر از سه منطقه دیگر دارد، در گذشته‌های نه‌چندان دور، کانون آموزش و تحولات اجتماعی و فرهنگی بوده است و شاید به همین دلیل آزمودنی‌های پژوهش حاضر هنوز گونه‌زبانی رایج در آن را دارای منزلت و اعتبار بیشتری می‌دانند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۶۴ گویشور چهار منطقه از شهرستان شبستر را در شمال غرب تبریز به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب کردیم و به کمک چهار نمونه صوتی و یک پرسش‌نامه محقق-ساخته، نگرش آنان را در خصوص نمونه‌های ضبط‌شده استخراج کردیم. در قالب اولین سؤال پژوهش، این پرسش مطرح شد که از میان دو گروه جوانان و میانسالان ساکن در شهرستان شبستر، کدام گروه در تشخیص ویژگی‌های زبانی زادگاه خود و مناطق همجوار، عملکرد بهتری دارند؟ یافته‌ها حاکی از آن است که عملکرد گروه میانسال (۴۰-۷۰ ساله) در تشخیص دوری/نزدیکی گوینده و نیز (غیر) همشهری بودن گوینده، بهتر از گروه جوان (۲۰-۳۹ ساله) است و این امر با نتایج پژوهش دیرکز (۲۰۰۲) در آلمان کاملاً سازگار است. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، از میان دو گروه زنان و مردان ساکن در شهرستان شبستر، گروه زنان در تشخیص ویژگی‌های زبانی زادگاه خود و مناطق همجوار موفق‌تر



عمل کرده‌اند. به این ترتیب، نتیجه می‌گیریم که آزمودنی‌های گروه میانسال و نیز آزمودنی‌های زن در منطقه مورد مطالعه زبان آگاه‌ترند؛ زیرا در پاسخ به دو پرسش مربوط به دوری/ نزدیکی گونه گوینده و همشهری بودن گوینده عملکرد بهتری داشته‌اند. در پاسخ به سؤال سوم پژوهش در خصوص وجود ارتباط میان مرکزیت اداری و اقتصادی یک منطقه جغرافیایی و نگرش گویشوران در خصوص روستایی یا شهری انگاشتن گونه رایج در آن منطقه دریافتیم که آزمودنی‌های پژوهش، گونه شندآباد را گونه روستایی تلقی می‌کنند و برعکس، گونه شبستر را شهری می‌دانند. در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش نیز دریافتیم که اغلب آزمودنی‌ها (۳۷/۵ درصد) گونه خامنه را معتبر می‌دانند و این امر خاطر نشان می‌سازد که میان اعتبار اجتماعی یک گونه زبانی و عواملی نظیر وسعت یا جمعیت ارتباط یک‌به‌یک وجود ندارد. البته باید خاطر نشان کرد که در زبان‌شناسی اجتماعی معمولاً میان دو مفهوم «شهری بودن» و «اعتبار اجتماعی» نوعی ارتباط وجود دارد، اما ظاهراً یافته‌های مربوط به پرسش چهارم این پژوهش تا اندازه‌ای با این پیش‌فرض در تضاد است. نگارنده در توضیح این مسئله به دو نکته اشاره می‌کند؛ نخست این‌که درصد گویشورانی که گونه خامنه را معتبر معرفی کرده‌اند، ۳۷/۵ درصد است و درصد آزمودنی‌هایی که گونه شبستر را معتبر دانسته‌اند، ۲۹/۶ درصد است. این اختلاف تقریباً ۸ درصدی آن‌چنان نیست که بتوان ادعا کرد که پیش‌فرض رایج در جامعه‌شناسی زبان به‌کلی رد شده است. از سوی دیگر، چنان‌که همین اختلاف را نیز قابل توجه در نظر بگیریم، نگارنده معتقد است که مطالعات آینده در این منطقه یا سایر مناطق ایران می‌تواند تصویر جامع‌تری از پیش‌فرض ذکر شده فراهم نماید. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که تمام یافته‌های پژوهش حاضر را باید با این فرض اساسی مورد نظر قرار داد که پاسخ آزمودنی‌ها به سؤالات پرسش‌نامه، بازتاب نگرش ناخودآگاه آنان است. بدیهی است چنانچه به آزمودنی‌ها اطلاعاتی درباره چهار گوینده ارائه می‌شد، یافته‌ها به ویژه در خصوص «اعتبار» تغییر می‌کرد. محقق بر این باور است که انجام مطالعات گسترده‌تر در این منطقه و مناطق دیگر کشور ایران به ترسیم نقشه‌های ذهنی گویشوران کمک می‌کند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. perceptual dialectology
2. D.R. Preston
3. D. Long
4. pleasantness
5. Aichi
6. Bursa
7. Schleswig
8. LÖwenstedt
9. Thumbby
10. Treia
11. Jagel
12. vowel harmony

۷. منابع

- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۵). «اطلس گویشی و اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی در استان همدان». *جستارهای زبانی*. د. ۷، ش ۱ (پیاپی ۲۹)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، صص ۳۹-۵۸.
- روشن، حسین (۱۳۷۱). *شبه‌ستر و پیرامون آن*. تهران: انتشارات دنیا.
- علایی، بهلول (۱۳۹۲). «بررسی فرآیند هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذری منطقه مغان». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۵، ش ۸، صص ۳۱-۴۸.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۳). «گونه‌گونی‌های فراوان زبانی در ایران، حتی در نقاط مجاور یکدیگر». *بیک نور*. س ۲، ش ۳، صص ۲۵-۵۱.
- نجفیان، آرزو؛ طیبیه موسوی میانگه؛ بلقیس روشن و سیف‌الله ملایی پاشایی (۱۳۹۳). «بازشناسی زبان‌شناختی و جغرافیایی گونه‌های زبان مازندرانی در حد فاصل خلیج گرگان تا مرکز مازندران با اعمال روش‌های گویش‌سنجی بر تفاوت‌های آوایی». *جستارهای زبانی*. مقالات آماده انتشار. http://lrr.modares.ac.ir/article_11277.html



References:

- Alaei, B. (2013). "Study vowel harmony in Turkish, Azerbaijani region of the Magi". Linguistic Research. Vol. 5. No. 8. pp. 31-48 [In Persian]
- Bloomfield, L. (1933). *Language*. Chicago: University of Chicago Press.
- Butters, R. R. (2002). "Preface". In. D. Long & D. R. Preston (Eds.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 2). John Benjamins Publishing Company. pp. xv-xvi.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill (2004). *Dialectology (Second Edition)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dailey-O'Cain, J. (1999). "The perception of post-unification German regional speech". In. D. R. Preston (Ed.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol 1). John Benjamins Publishing Company. pp. 227-242.
- Demirci, M. & B. Kleiner (1999). "The perception of Turkish dialects". In. D. R. Preston (Ed.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 1). John Benjamins Publishing Company. pp. 263-282.
- Diercks, W. (2002). "Mental maps: Linguistic-geographic concepts". In. D. Long & D. R. Preston (Eds.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 2). John Benjamins Publishing Company. pp. 51-70.
- Fernandez, J. M. & F. M. Fernandez (2002). "Madrid perceptions of regional varieties in Spain". In. D. Long & D. R. Preston (Eds.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 2). John Benjamins Publishing Company. pp. 295-320.
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalbasi, I. (2004). "Abundant variety of language in Iran, even in adjacent areas." Paik-e-noor. Vol. 2. No. 3. pp. 25-51 [In Persian].
- Khalilzadeh, A. (2013). "Vowel harmony: A comparative study of Turkey's and Azerbaijan Turkish". *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. 70. pp. 923-935.

- Long, D. & Preston, D. R. (Eds.) (2002). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 2). John Benjamins Publishing Company.
- Long, D. (1999). "Geographical perceptions of Japanese dialect regions". In. D. R. Preston (Ed.). *Handbook of Perceptual Dialectology* (Vol. 1). John Benjamins Publishing Company. pp. 177-198.
- Najafian , A. et. al. (No date). Dialectometric Recognition of Mazandarani Language Varieties' Linguistic and Geographic Pattern Located off the Gorgan Golf through Central Mazandaran, *Language Related Research*. Articles in Press: lrr.modares.ac.ir [In Persian]/article_11277.html [In Persian].
- Preston, D. R. (1999 a). *Handbook of Perceptual Dialectology (Vol 1)*. John Benjamins Publishing Company.
- Preston, D. R. (1999 b). "The south: Still different". In. M. D. Picone & E. Davies (Eds.). *Language and Variety in the South.: Historical and Contemporary Approaches*. Tuscaloosa: University of Alabama Press. pp. 311-326.
- Roshan, H. (1992). *Shabestar and its surroundings*. Tehran: Donia [In Persian] .
- Rostambeik Tafreshi , A. (2016). "Dialect Atlas and Measuring Dialect Distances in Hamadan", *Language Related Research*. Vol.7, No.1 (Tome 29). pp. 39-58 [In Persian].



۷. پیوست

مرد گروه سنی: ۲۰-۳۰
 زن ۴۰-۷۰
 اهل:

۱. گوینده جوان است یا میانسال و پیر؟
 ۲. گوینده از منطقه‌ای دور است یا نزدیک؟
 ۳. گوینده تند صحبت می‌کند یا آهسته؟
 ۴. لهجه گوینده به شهری‌ها شبیه است یا به روستایی‌ها؟
 ۵. لهجه گوینده قدیمی است یا جدید؟

فایل سوم

فایل دوم

فایل اول

فایل چهارم

میانسال	جوان	میانسال	جوان	میانسال	جوان	میانسال	جوان
نزدیک	دور	نزدیک	دور	نزدیک	دور	نزدیک	دور
آهسته	تند	آهسته	تند	آهسته	تند	آهسته	تند
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری

در این مرحله چهار فایل صوتی را بدون مکث پخش کرده و سؤالات زیر را از آزمودنی‌ها

می‌پرسیم:

۴	۳	۲	۱

۶. از این چهار نفر، کدام بهتر و معتبرتر صحبت می‌کند؟

۴	۳	۲	۱

۷. از این چهار نفر، کدام ناراحت به نظر می‌رسد؟

۴	۳	۲	۱

۸. از این چهار نفر، کدام همشهری شماست؟

۹. چه نظری در باره این صداها دارید؟